

معاملات بازار بورس فلزات و محصولات کشاورزی در آیینۀ فقه اسلامی*

مجید رضایی**

چکیده

معاملات بازار بورس فلزات و کشاورزی اغلب در پوشش عقد سلف صورت می‌گیرد. به دلیل نبود نقدینگی کامل از چک‌های ملت‌دار و ضمانت‌نامه‌های اعتباری (LC) برای پرداخت مبلغ قرارداد استفاده می‌شود. عدم پرداخت مبلغ قرارداد در عقد سلف باعث تبدیل آن به معامله کالی به کالی و بطلان آن می‌شود. همچنین نمی‌توان کالای خریداری شده به عقد سلف را قبل از موعد فروخت؛ از این رو معاملات در بازار ثانویه امکان ندارد. مقاله ضمن طرح انواع معاملات در بازار بورس فلزات و کشاورزی و مشکلات آن و نقد و بررسی راه‌حل‌های پیشنهاد شده برای حل مشکل از چند راه اساسی که منطبق بر فقه امامیه است مانند عقد ودیعه، سلف و صلح بهره گرفته است. راه‌حل‌های مذکور افزون بر صحت فقهی، مشکل معامله در بازار ثانویه را نیز حل کرده، زمینه مناسبی برای ایجاد قراردادهای آتی اسلامی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: بورس محصولات کشاورزی و فلزات، بورس اوراق بهادار، بیع دین به دین، قرارداد آتی‌ها، ابزارهای مشتقه، صلح دین به دین، عقد سلف، عقد ودیعه، عقد جعاله.

* این مقاله حاصل جلسات مشورتی مسؤولان محترم سازمان بورس فلزات تهران با گروه فقهی از حوزه علمیه قم متشکل از نگارنده مقاله و حجج اسلام سیدعباس موسویان و غلام‌علی معصومی نیا است که جمع‌بندی مطالب به‌وسیله نگارنده تدوین و به شکل مقاله ارائه شده است.

** عضو هیأت علمی دانشگاه مفید.

مقدمه

امروزه بازارهای بورس از مهم‌ترین نهادهای مالی است. سرعت بالای انتقال سرمایه و تبدیل آن به سهام و اوراق بهادار و اثرپذیری آن از تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جایگاه ویژه‌ای به آن داده است. حضور واسطه‌های بین‌المللی باعث شده بازارهای بورس عملکرد جهانی یابد و هر حادثه در گوشه‌ای از جهان قادر است نظم بازار بورس را بر هم زند.

معاملات بازار بورس همچون معاملات دیگر بازارها در پوشش حقوقی شکل می‌گیرد و باید براساس موازین آن انجام گیرد. نیاز کشورهای اسلامی به نهاد بورس و حجم بسیار معاملات آن، لزوم تطبیق معاملات آن را با فقه روشن ساخته است. امروزه معاملات بورس در بازار اولیه و ثانویه در قالب معاملات نقد (Spot)، سلف و پیمان آتی (Forward) و قرارداد آتی‌ها (Futures) شکل می‌گیرد. بازار اولیه بازاری است که معامله بر کالای واقعی انجام می‌گیرد. سهام و اوراق بهادار جدید برای نخستین بار عرضه می‌شود یا کالای واقعی مورد نخستین معامله قرار می‌گیرد. بازار ثانویه بازاری است که در آن بر اسناد و حواله‌ها و اوراق معامله اول، معامله جدید صورت می‌گیرد. بیشتر معاملات بازار بورس از نوع معاملات ثانویه است و گاه بیش از ۹۰ درصد معاملات در بازار ثانوی رخ می‌دهد. بخش اندکی از معاملات به تحویل کالا می‌انجامد و به‌طور عمده واسطه‌ها در سررسید معامله و پیش از آن با تبدیل ارزش کالا به نقد یا با انجام معاملات معکوس و جبرانی از بازار خارج می‌شوند (ر.ک: درخشان، ۱۳۸۳: ص ۱۴۹ - ۱۵۲).

در کشور ما بازارهای بورس شکل گرفته و در چند سال اخیر رونق یافته است. کنار بازار بورس اوراق بهادار، بورس فلزات و بورس محصولات کشاورزی نیز فعالیت می‌کند. فعالان بازار بورس کشاورزی و فلزات، خریداران عمده و تولیدکنندگان هستند. با توجه به تغییر قیمت‌ها در طول زمان، تولیدکنندگان به علل متعدد می‌کوشند وضعیت آینده خود را مشخص کنند. از سویی نمی‌دانند اولاً آیا پس از تولید، مشتری مناسب می‌یابند و ثانیاً مشتری با چه قیمتی از آن‌ها خواهد خرید و ثالثاً در قیمت آینده تولیدکننده متضرر خواهد

شد یا خیر و رابعاً گاه برای خرید مواد اولیه نیازمند نقدینگی است؛ از این رو تمایل جدی دارد که از ریسک دوری کند و با انجام معامله سلف و پیش فروش محصول، آینده خود را مشخص سازد. این امر برای تولیدکنندگان فلزات و محصولات کشاورزی هر دو جریان دارد. از سوی دیگر خریداران عمده هم به دنبال تعیین وضعیت خود هستند و اگر اطمینان کافی به تولید محصول و قیمت فروش آن نداشته باشند، ریسک آینده را نمی‌توانند کم کنند؛ بنابراین، انگیزه مناسب برای دو طرف معامله سلف جهت انعقاد قرارداد وجود دارد.

بدون شک انجام معامله سلف می‌تواند ریسک آینده را کاهش دهد و تولیدکننده و خریدار محصول با اطمینان بیشتری درباره آینده خود تصمیم بگیرند؛ به همین جهت در حال حاضر، معاملات در بازار کالای کشاورزی و فلزات به طور عمده به صورت سلف است؛ البته هنوز قراردادهای آتی و ابزارهای مشتقه متناسب با فقه و حقوق اسلامی در این بازار طراحی نشده است. معاملات و ابزارهای پیش‌گفته نیز در کاهش ریسک اثر اساسی دارد. با توجه به شرایط خاص شرعی در مورد بازار سلف در برخی معاملات جاری شرایط مذکور تحقق نمی‌یابد و معاملات با پدیده عدم صحت شرعی مواجه می‌شود. مقاله حاضر در صدد طرح شرایط صحت معاملات و طرح راهکارهای فقهی متعدد برای استفاده در بازارهای بورس است.

معاملات رایج در بازار بورس فلزات و کشاورزی

در بورس فلزات کالای صنعتی مهمی مثل فولاد، میل‌گرد، مس، آلومینیم و ... خرید و فروش می‌شود. کالاهای پیش‌گفته نقش اساسی در تولیدات کالاهای صنعتی و ساختمانی دارد. کاربرد گسترده فلزات پیش‌گفته در تولید لوازم خانگی، ساختمان و تجهیزات سرمایه‌ای باعث شده تأثیر آن بر بخش مهمی از مجموعه تولیدکنندگان بسیار بالا باشد. نوسانات قیمت بازار عامل مهم ریسک تولیدکنندگان فلزات و خریداران آن است. در صورتی که در زمان فروش قیمت افزایش یافته باشد، باعث کاهش تقاضا می‌شود. از طرفی خریدار فلزات که با افزایش قیمت مواجه شده مجبور می‌شود تولید آینده را کاهش داده در معرض ضرر قرار می‌گیرد؛ زیرا با افزایش قیمت مواد اولیه و فلزات مورد نیاز برای تولید

لوازم خانگی قیمت آن افزایش یافته و فروش آن در بازار کاهش می‌یابد. اطمینان از وضعیت آینده، خریدار و فروشنده را از نگرانی خارج می‌سازد و به‌درستی می‌تواند سود و زیان آینده خود را تعیین کرده، در مورد تولید و مقدار آن تصمیم گیرد. شرایط پیش‌گفته در مورد تولید کالای کشاورزی نیز وجود دارد. کشاورزی که گوجه فرنگی تولید می‌کند، از وضعیت آینده قیمت گوجه آگاه نیست. این نگرانی باعث می‌شود که گاه از تولید بپرهیزد، شرکت سازنده رب گوجه فرنگی هم به تبع تولیدکننده نمی‌داند چه مقدار گوجه فرنگی با چه قیمتی در فصل آینده تولید می‌شود تا او برای تولید رب برنامه‌ریزی کند.

نگرانی پیش‌گفته باعث می‌شود که فعالان در بازار بورس به معاملات غیرنقد روی آورند؛ البته در بورس فلزات و کالای کشاورزی، معاملات نقد جریان دارد و فعالان می‌توانند با پرداخت ارزش کالا، کالای مورد نیاز را دریافت کنند؛ ولی به‌طور معمول معاملات به‌صورت غیر نقد رخ می‌دهد و معاملات نقد به‌طور معمول در مورد خریدهای محدود یا برای نیازهای اتفاقی صورت می‌گیرد و غالب خریداران و فروشندگان عمده، از معاملات غیرنقدی استفاده می‌کنند تا با اطمینان درباره آینده به فعالیت پردازند؛ بنابراین، معاملاتی که در این بازارها رخ می‌دهد، به شکل ذیل است.

۱. معامله نقد (spot) که حجم اندکی از معاملات را پوشش می‌دهد.
۲. معامله نسبه که کالا تحویل داده می‌شود؛ ولی مبلغ را در آینده می‌پردازد (این معامله در بورس کمتر رایج دارد).
۳. معامله سلف: در این معامله، خریدار، قیمت کالای کلی را هنگام معامله به فروشنده می‌پردازد و کالا را در موعد معین تحویل می‌گیرد. معامله سلف، حجم بسیاری از معاملات بورس را می‌پوشاند. با این معامله، تولیدکننده می‌تواند مشکل نقدینگی خود را رفع سازد و از طرفی مطمئن باشد که کالای او با چه قیمتی فروخته خواهد شد. خریدار هم به تحویل کالا با قیمت معین اطمینان می‌یابد.

نوسانات آینده بازار در این نوع معامله نقش مهمی دارد. اگر خریدار نقدینگی کامل در اختیار نداشته باشد و بخواهد ریسک آینده را کاهش دهد نمی‌تواند از این نوع معامله

استفاده کند و ناگزیر باید از شیوه معامله کالی به کالی که توضیح آن خواهد آمد، استفاده کند. شایان ذکر است که گاه در معاملات برای پرداخت ارزش کالا از چک استفاده می‌شود. چنانچه چک مدت‌دار باشد، به منزله آن است که مبلغ در آینده پرداخت می‌شود؛ زیرا چک پول نیست؛ بلکه رسید پرداخت است؛ البته در قانون، تاریخ چک از نظر پرداخت اعتباری ندارد و بانک موظف است به آورنده چک با هر تاریخ مبلغ را بپردازد؛ ولی چون در عرف معاملات، چک مدت‌دار متفاوت از چک به تاریخ روز است، عرف از تحویل چک، تلقی پرداخت مبلغ ندارد. همچنین گاه از کارت‌های تضمینی بانکی (LC) استفاده می‌شود. معامله با آن هم به منزله پرداخت مبلغ نیست و از نوع معامله سلف به‌شمار نمی‌رود.

۴. **معامله کالی به کالی:** در این نوع معامله، کالا به صورت کلی خریداری، و در تاریخ معین تحویل داده می‌شود و خریدار نیز به علت نداشتن نقدینگی یا غیر آن، مبلغ را در موعد تحویل کالا می‌پردازد. در واقع طرفین معامله به جهت اطمینان از آینده اصل معامله را قطعی می‌کنند. بر این اساس، تحویل کالا و پرداخت مبلغ معین در آینده صورت می‌گیرد. این نوع معاملات چون مستلزم هیچ‌گونه پرداختن نیست، بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد و فقط به جهت اطمینان طرفین به یک‌دیگر حواله انبار آینده و چک مدت‌دار یا LC تحویل می‌دهند. با این شیوه، افراد بدون معطل کردن چند ماهه نقدینگی خود، ریسک خود را کاهش می‌دهند و به خرید و فروش کالا و انجام فعالیت اعتماد بیشتری خواهند داشت. اگر نقدینگی نداشته باشد، به گرفتن وام برای خرید کالا ملزم نیست و چنانچه مبلغ خرید را در اختیار دارد می‌تواند در مدت باقیمانده تا موعد تحویل از آن استفاده مناسب ببرد؛ از این رو فعالان بازارهای بورس تمایل دارند معاملات خود را در این شکل قرارداد انجام دهند. در بورس‌های نفتی جهان و بورس‌های کالاهای صنعتی و کشاورزی و انرژی، عمده معاملات به این صورت واقع می‌شود؛ زیرا ماهیت قراردادهای آتی خاص و آتی یکسان همان معامله کالی به کالی است. ناگفته نماند قیمت تعیین‌شده در معامله سلف که مبلغ هنگام معامله پرداخت می‌شود، با قیمت در معامله کالی به کالی تفاوت دارد؛ ولی مهم آن است که فرد بدون پرداخت مبلغ و داشتن سرمایه می‌تواند قرارداد را منعقد کند و این امر برای افرادی که در معاملات ثانویه شرکت می‌کنند، بسیار مهم است.

۵. معاملات ثانویه: در بازارهای بورس پس از انجام معاملات اولیه (از آنجا که تا زمان تحویل کالا و پرداخت مبلغ، بازار نوسانات گوناگونی را پشت سر می‌گذارد و با پیش‌بینی آینده معامله‌گران گاه تمایل دارند از معامله انجام‌شده به نوعی خارج شوند یا آن‌که برخی از افراد جدید تمایل به خرید کالا دارند) بر روی اسناد و اوراق معاملات اولیه معاملات جدیدی رخ می‌دهد؛ به‌طور مثال، پس از گذشت یک ماه از معامله سلف که مبلغ آن پرداخت و کالا در شش ماه آینده تحویل می‌شود، خریدار با توجه به وضعیت بازار می‌خواهد کالای خریداری‌شده را به مبلغ جدیدی به فرد دیگری بفروشد. مبلغ توافقی را دریافت و اسناد حاوی تحویل کالا را به شخص سوم تحویل می‌دهد. تحولات سریع بازارها و پیش‌بینی درباره آینده و کاهش ضرر یا افزایش سود، عامل اساسی در فروش کالا به نفر سوم و خرید آن از طرف نفر سوم است. همچنین در معاملات کالی به کالی یا قراردادهای آتی‌ها نیز گرچه مبلغی پرداخت نشده، اسناد معامله دارای ارزش خاص است و برحسب قیمت کالا در زمان معامله و زمان پرداخت و تحویل، قیمت آن تغییر می‌کند. نفر سوم با خرید اسناد، طرف معامله قرار می‌گیرد. معامله ثانویه بین نفر سوم و چهارم و ... نیز جریان دارد و چه بسا بر یک معامله اولیه ده معامله ثانویه جریان یابد.

فعالان در این بازار فقط خریداران و فروشندگان اصلی کالا نیستند؛ بلکه بخش مهمی از فعالان بورس‌بازان هستند که می‌کوشند از تحولات بازار با انجام معاملات ریسکی سود کسب کنند. حضور این افراد باعث رونق معاملات و گردش سریع نقدینگی می‌شود. امروزه در کشور ما معاملات ثانویه چندان رواج نیافته است؛ البته بر روی حواله انبار معاملات اولیه، معاملات ثانویه در خارج از بازار فلزات و کشاورزی صورت می‌گیرد؛ ولی به عللی که خواهد آمد، سازمان بورس نتوانسته معاملات بازار ثانویه را گسترش دهد. انواع اوراق بهادار و ابزارهای مالی مشتقه در این بازارها می‌تواند جریان یابد. دو نوع مهم ابزارهای مالی مشتقه قراردادهای آتی یکسان و اوراق اختیار معامله هستند. قراردادهای آتی یکسان همان معاملات کالی به کالی است؛ ولی به‌علت امکان فروش در بازار ثانویه آن را به‌صورت استاندارد در می‌آورند به این معنا که مقدار قرارداد، تاریخ سررسید، کیفیت و مکان تحویل و دیگر موارد در آن برای هر کالا به‌صورت استاندارد است؛ به‌طور مثال هر

قرارداد آتی نفت شامل ۱۰۰۰ بشکه یا مقدار استاندارد نقره ۵۰۰۰ اونس است. کیفیت خاص کالا تعیین، و چون مشخصات کالا به طور کامل معلوم شده است، انجام معاملات با سرعت و اطمینان بیشتری رخ می دهد. تفاوت فقط در قیمت است که در طول زمان ایجاد می شود (درخشان، ۱۳۸۳: ص ۱۴۰)؛ به طور مثال، طرفین قرارداد متعهد هستند که ۵۰۰۰۰ بشکه نفت خام (معادل ۵۰ قرارداد آتی) را به قیمت الف تحویل شده در ماه ب معامله کنند. هنگام قرارداد، مبلغ پرداخت نمی شود؛ ولی به جهت جلوگیری از نکول طرفین، معامله از طریق کارگزاری بورس و با تضمین اتاق پایاپای صورت می گیرد. هر طرف هم باید ودیعه ای مناسب با مبلغ قرارداد نزد کارگزار قرار دهد. معامله صورت گرفته قابلیت دارد در بازار ثانویه مورد معامله قرار گیرد و با فروش آن به طرف سوم به قیمت جاری طرف دوم از معامله خارج شود. این معاملات تا زمان تحویل کالا ادامه دارد.

حق اختیار معامله نیز از ابزارهای مالی مشتقه است که برای کاهش ریسک و ضرر احتمالی اختراع شده و سندی است که دارنده یا خریدار می تواند در قبال پرداخت قیمت آن به صادرکننده یا فروشنده این حق را به دست آورد که دارایی پایه قرارداد (نفت، ارز، فلزات و ...) را با قیمت توافقی در تاریخ معین یا قبل از آن از صادرکننده این قرارداد بخرد یا به او بفروشد بدون آن که متعهد به این خرید و فروش باشد (درخشان، ۱۳۸۳: ص ۱۹۲).

با توجه به این که مقاله پیرامون معاملات بورس فلزات و کالاهای کشاورزی است و حق اختیار معامله شرایط خاصی دارد و پیش تر نیز در مورد آن به تفصیل سخن گفته ایم، از توضیح بیشتر خودداری می کنیم (برای توضیح بیشتر به طور مثال ر.ک: درخشان، ۱۳۸۳؛ فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰؛ رضایی، ۱۳۸۲؛ عصمت پاشا، ۱۳۸۲؛ رضایی، ۱۳۸۴).

انواع معامله و احکام کلی مربوط به هر یک

همان طور که گفتیم، معامله بیع به لحاظ نقد یا مدت دار بودن ثمن و مثنی ۴ قسم است. اگر ثمن و مثنی هر دو به صورت نقد و بدون ذکر زمان برای ادای آن دو واقع شود، معامله بیع نقدی است. اگر بر ثمن به صورت مدت دار و مثنی بدون مدت باشد، بیع نسبه، و اگر ثمن به صورت نقد و حاضر و مثنی مؤجل باشد بیع سلف، و اگر هر دو طرف معامله

زمان دار باشد، معامله کالی به کالی نامیده می‌شود. سه نوع اول صحیح و معامله اخیر باطل است؛ البته مورد معامله ممکن است شخصی یا کلی باشد؛ ولی در معامله سلف و کالی به کالی موضوع معامله کلی است.

نکات ذیل قابل توجه است:

۱. معامله نقدی معامله به ثمن و مثنی، بدون ذکر زمان است و هیچ‌گونه تأخیری در ادای ثمن و مثنی در مرحله انشای معامله مطرح نیست؛ اما در مرحله قبض و ادای ثمن و مثنی هر طرف می‌تواند از پرداخت آن خودداری کند تا زمانی که طرف مقابل آن را تسلیم کند. تأخیر زمانی در مرحله تسلیم ضرری به نقدی بودن معامله نمی‌زند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۰۷). تفاوت اصلی بیع نقد و نسبه در مقدار قیمت مشخص می‌شود. قیمت نقد با قیمت نسبه متفاوت است. گرچه با تأخیر تسلیم ثمن و مثنی، معامله بیع نقدی شبیه معامله بیع کالی به کالی است، به علت عدم ذکر زمان، قیمت کالا به میزان قیمت نقد است و از شرایط معامله نقد پیروی می‌کند؛ البته از این شیوه نمی‌توان برای انجام برخی قراردادهای آتی استفاده کرد. چون اگر تأخیر تسلیم ضمن عقد شرط شود، معامله به صورت بیع کالی به کالی در می‌آید که باطل است.

۲. در معامله سلف، مثنی باید به صورت کلی خریداری، و ثمن حتماً به صورت کامل قبل از جدا شدن طرفین از محل معامله پرداخت شود. اگر مقداری از ثمن ادا شود، معامله فقط به همان میزان صحیح است. در غیر این صورت، معامله باطل خواهد بود؛ از این رو معاملات سلف در بازار بورس که هیچ‌گونه مبلغی جا به جا نمی‌شود و پرداخت قیمت کالا تا زمان تحویل کالا به تأخیر می‌افتد، در واقع معامله کالی به کالی و باطل است. معاملات آتی هم که فقط در استاندارد شدن مقدار و کیفیت انجام معامله در صحن علنی بورس از معاملات سلف متفاوت است، چنانچه معامله بیع باشد، باطل است.

۳. در معامله سلف، معامله نمی‌تواند در ازای طلب آینده از فروشنده واقع شود؛ برای مثال، خریدار از فروشنده یک میلیون تومان به صورت سه‌ماهه طلب دارد، نمی‌تواند ۱۰ تن گندم سه ماهه را به ازای طلب خود معامله کند؛ چون ثمن معامله موجود نیست؛ هر چند در ذمه به صورت کلی هست. حتی اگر زمان طلب خریدار سررسید شده باشد نیز قابل

مناقشه است؛ هر چند می‌توان آن را تصحیح کرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۱۸؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۶۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۸۸ و حسینی سیستانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۸۳).

۴. کالای فروخته‌شده در معامله سلف باید به‌گونه‌ای باشد که هنگام سررسید موجود باشد. اگر کالایی را می‌فروشد که هنگام سررسید معلوم نیست موجود است یا خیر و نمی‌توان گفت تسلیم صورت خواهد گرفت یا نه، معامله باطل است. همچنین اگر مکان تسلیم معلوم شده، باید قابلیت تسلیم در مکان مزبور را داشته باشد (ر.ک: برای مثال، به موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۱۹).

۵. کالای خریداری شده در معامله سلف را نمی‌توان قبل از سررسید فروخت. برخی از فقیهان این ممنوعیت را حتی اگر خریدار بخواهد به فروشنده بفروشد نیز تعمیم داده‌اند (همان؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۳۸۹) و تفاوتی ندارد که معامله به جنس ثمن یا غیر آن یا به همان مبلغ خریداری شده یا کمتر یا بیشتر باشد؛ ولی پس از سررسید هر چند مبیع قبض نشده باشد می‌توان آن را به فروشنده و غیر او به همان مبلغ یا بیشتر یا کمتر فروخت. یگانه شرط لازم این است که ربای معاملی تحقق نیابد. مرحوم امام و جمعی از فقیهان در جواز فروش قبل از قبض تفاوتی بین کالای مکیل و موزون نمی‌بینند؛ ولی مرحوم خوئی و برخی دیگر از فقیهان، پیش از قبض، فروش کالای مکیل و موزون را به مبلغ بیشتر و به غیر فروشنده جایز نمی‌دانند (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۶۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۸۴). براساس مطلب پیش‌گفته نمی‌توان کالای کلی خریداری شده به‌صورت سلف را قبل از موعد تحویل در بازار ثانویه فروخت.

۶. کالای خریداری شده به‌صورت نسیه را می‌توان قبل از زمان پرداخت ثمن به هر مبلغی فروخت و فرقی نمی‌کند معامله دوم به‌صورت نقد باشد یا نسیه به شرط آن‌که در معامله اوّل شرط نشود مشتری بر فروشنده اوّل همان جنس را به قیمتی کمتر بفروشد تا فروشنده سود ببرد یا به قیمت بیشتر بفروشد تا خریدار سود ببرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۱۰)؛ زیرا با این شرط معامله به‌صورت بیع‌العینه در می‌آید و از نظر مشهور فقیهان این نوع معامله باطل است؛ چنان‌که این نوع معامله از موارد حيله ربا است (برای تفصیل

در مسأله ر.ک: بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ص ۳۸۲ - ۳۹۳).
ناگفته نماند که از این شیوه به صورت اوراق قرضه اسلامی در مالزی استفاده می شود؛ ولی
به علت بطلان بیع العینه نمی توان از آن برای کشور ما استفاده کرد (ر.ک: صالح آبادی، ۱۳۸۴).

۷. بیع دین به دین مطلقاً جایز نیست. در تفسیر آن اختلاف است که آیا مختص دین
قبل از عقد می شود یا اعم از آن و دین بالعقد است. در مورد دین قبل از عقد اختلافی
نیست که معامله آن باطل است و تفاوتی ندارد که أجل دین هنگام معامله رسیده باشد یا
خیر؛ و اما اگر دو طرف معامله دین مؤجل بالعقد باشد طبق نظر مشهور معامله باطل است؛
ولی اگر ثمن و مثن دین حال باشند معامله صحیح است (نجفی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۴، ص
۳۷۴؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۷۳؛ موسوی سبزواری ۱۴۰۷ق: ج ۱۷، ص
۲۶۲، ج ۲۱، ص ۱۹، ج ۱۸، ص ۳۰ و ۳۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۷۹).
علت بطلان بیع دین به دین روایت منقول از پیامبر اسلام ﷺ است که فرمود:

لا بیع الدین بالدین (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۱۰۰)؛

البته معامله دین با دین به صورت عام ممنوع نیست؛ بلکه بیع آن باطل است؛ به همین

جهت می توان دین با دین را مصالحه کرد.

۸. صلح از انواع عقود شرعی است و شرط نیست که برای برطرف کردن نزاع و دعوی
منعقد شود؛ بلکه در هر امر شرعی قابلیت اجرا دارد. عقد صلح عقد مستقل و لازم است، و
صلح دین به دین چه هر دو مؤجل باشند یا یکی مؤجل و دیگری حال یا هر دو حال
باشند، صحیح است. یگانه شرط اساسی آن است که صلح به ربا نینجامد. ربا در صورتی
تحقق می یابد که طرفین معامله هم جنس، و از نوع پیمانهای یا وزنی باشند و یک طرف
همراه زیادی باشد؛ مثل آن که یک تن فولاد سه ماهه را به یک تن و یکصد کیلو فولاد
شش ماهه معاوضه کنند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۵۳۷؛ موسوی خوئی،
۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۱۹۴؛ موسوی گلپایگانی؛ ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۴۰۸؛ حسینی سیستانی،
۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۳۲۹). با توجه به این که در ربا مطلق زیادی اعم از عینی و حکمی
ممنوع است و در عقد صلح مثل بیع بنا بر نظر بسیاری از فقیهان ربا جریان دارد، مصالحه
دو دین که از نظر وزن برابر باشند ولی مدت سررسید آنها مختلف باشد، جایز نیست؛
مثل آن که یک تن فولاد سه ماهه را با یک تن فولاد چهار ماهه معاوضه کند.

نقد و بررسی راهکارهای پیشنهاد شده برای تصحیح معاملات

محققان ارجمند جهت تصحیح معاملات بورس راه‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند که آنان را مطرح و بررسی می‌کنیم.

۱. برخی از محققان کوشیده‌اند معامله دین به دین یا کالی به کالی را تصحیح، و ادله بطلان را تضعیف کنند (فیاض، ۱۴۱۸ق: ص ۳۶۱، ۲۳۳ و ۱۹۷؛ جواهری، بی‌تا: ج ۲، ص ۹۸ - ۱۰۱). همچنین در صورتی که ممنوعیت بیع دین به دین را به موردی اختصاص دهیم که دین قبل از بیع دین تحقق یافته باشد (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق: ص ۲۱۵ - ۲۱۹) شامل معاملات بازار بورس نمی‌شود؛ زیرا در بازار اولیه دین تحقق نیافته، و در بازار ثانویه هم گرچه در یک طرف دین تحقق یافته است آن را در مقابل وجه نقد معامله می‌کند و از بازار خارج می‌شود؛ بنابراین، اشکالی ندارد؛ البته نباید آن را در مقابل دین تحقق یافته مبادله کند. اگر معاملات سلف و قرارداد آتی را که در بازار بورس صورت گیرد تعهد به انجام آن در زمان معین بدانیم نه انجام معامله، عمل به این تعهد در صورتی الزامی است که عمل به شرط ابتدایی را لازم بدانیم (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۲: ص ۴۳ و ۴۴).

با توجه به رأی اکثر فقیهان به ممنوعیت معاملات دین به دین به صورت مطلق اعم از آن که دین قبل از عقد باشد یا با عقد ایجاد شود نمی‌توان از نظر عملی به تلاش این محققان توجه کرد، و ناگزیر باید راه‌های دیگر برای تصحیح و تطبیق معاملات بورس با احکام فقهی مطرح کرد.

۲. برخی از محققان می‌کوشند با استفاده از عقد بیمه راه‌حلی برای معاملات بورس نشان دهند. فردی که نقش بیمه‌گر دارد، متعهد می‌شود چنانچه از ناحیه معامله مشکلی برای معامله‌کنندگان رخ داد، در ازای پرداخت حق بیمه زیان وارده را جبران کند. طرفین معامله با مراجعه به بیمه‌گر و پرداخت حق بیمه در مورد انجام معامله در آینده متعهد می‌شوند و بیمه‌گر تضمین می‌دهد که چنانچه به هر طرف در مورد قیمت تعیین شده خسارتی وارد شد، خسارت وارده را جبران کند. طرفین قرار می‌گذارند در شش ماه آینده ۱۰۰ تن فولاد را به قیمت هر تن A تومان مبادله کنند و با بیمه‌کردن معامله چنانچه قیمت در همان حدود باشد که معامله مشکلی ایجاد نمی‌کند و اگر قیمت بازار بیشتر از قیمت

توافقی باشد یعنی فروشنده ضرر کند بیمه‌گر خسارت را جبران می‌کند و اگر قیمت بازار کمتر از قیمت تعیین شده باشد، خسارت خریدار جبران می‌شود. بیمه می‌تواند درصدی از خسارت یا خسارت بیشتر از مقدار معین را تضمین کند. تعهد خرید و فروش کالا ضمن عقد بیمه به صورت شرط ذکر می‌شود.

این راه مشکلاتی دارد.

اولاً طبق قانون، بیمه‌گر شرکت است نه فرد و به طور معمول شرکت‌های بیمه مابه‌التفاوت قیمت را با توجه به نوسانات بازار بورس بیمه نمی‌کنند.

ثانیاً معاملات تضمین بتواند در بازار ثانوی مورد معامله واقع شود و این امر در بیمه مرسوم نیست؛ البته اگر قرارداد بیمه به صورتی منعقد شود که طرفین معامله بتوانند رابطه بیمه‌گری خود را به دیگری منتقل کنند، چون ارزش مالی دارد، قرارداد بیمه در بازار ثانوی قابلیت معامله پیدا می‌کند.

۳. برخی کوشیده‌اند با بیان تفاوت بین بیع کالی به کالی و قراردادهای معاملات آتی جواز معاملات آتی را اثبات کنند. از جمله تفاوت‌های ذکر شده این است که در معامله کالی به کالی ویژگی کالا و زمان تحویل و تحویل کالا به خلاف قرارداد آتی تقریبی و غیرقطعی است (غنیمی فرد و آرام بنیاد، ۱۳۸۴: ص ۱۸۲).

تفاوت ذکر شده، فارق بین معامله کالی به کالی و قرارداد آتی نیست؛ زیرا همان‌طور که در قرارداد نسیه و سلف، ثمن یا مثن مؤجل دقیقاً معین است و زمان تحویل و دیگر خصوصیات ذکر می‌شود، در کالی به کالی هم معلوم است. مسأله ضمانت اجرای معامله هم به طرفین معامله بستگی دارد. اگر همدیگر را می‌شناسند، نیاز به تضمین ندارند؛ ولی اگر ناشناس باشند می‌کوشند در جایی ثبت شود و برای ترک انجام معامله جریمه قرار دهند؛ همان‌طور که در معاملات نسیه و سلف رخ می‌دهد؛ البته در بازارهای نفت به علت بزرگی بازار و بین‌المللی بودن آن تضمین‌ها باید دقیق‌تر باشد چون حجم و ارزش معاملات بسیار زیاد است؛ بنابراین تفاوت مذکور باعث نمی‌شود معامله آتی در صورتی که به صورت بیع باشد، از معامله کالی به کالی متفاوت شود.

این افراد راه دومی را مطرح کرده‌اند مبنی بر این که از عقد بی‌نام استفاده شود. عقد

بی‌نام را عقدی دانسته‌اند که در زمان شارع متعارف نبوده و بعدها پدید آمده و عقد مستقل است. باید توجه داشت با توجه به آن‌که معامله کالی به کالی مورد نهی شرع قرار گرفته نمی‌توان مفاد آن را به صورت عقد جدید و مستقل مطرح و به صورت عقد مستحدثه حکم صحت آن را از عمومات استخراج کرد. همچنین عقد بی‌نام غیر از عقد صلح است. عقد صلح از عقود شرعی است که بر هر نوع توافقی که مورد نهی صریح شرع نباشد، قابلیت اجرا دارد. در عبارت نویسندگان پیش‌گفته گویا عقد صلح و عقد بی‌نام یکی دانسته شده است؛ البته همان‌طور که نویسندگان ذکر کرده‌اند، عقد صلح قابلیت دارد که معاملات دین به دین یا کالی به کالی را پوشش دهد و این امر در فتاوی فقیهان بزرگوار به تصریح ذکر شده است.

راه سومی که نویسندگان محترم برای رهایی از بطلان بیع کالی به کالی طرح کرده‌اند، استفاده از عقد جعاله است. با استفاده از عقد جعاله، قرارداد آتی بدین‌گونه تعریف شده است:

قرارداد آتی عبارت است از اسنادی که به موجب آن طرفین توافق می‌کنند که یک طرف به‌عنوان جاعل مقرر می‌دارد در صورتی که در تاریخ و زمان معین شده طرف مقابل متاع مشخص شده در قرارداد را جهت فروش به جاعل ارائه کند، جاعل آن را به ثمن مشخص شده در قرارداد خریداری کند. عامل نیز عمل خواسته شده یعنی عرضه متاع موردنظر جهت خرید را انجام می‌دهد و جعل عبارت است از همان حقی که جاعل به عامل می‌دهد و خود را ملزم به خرید متاع ارائه شده می‌کند (همان: ص ۱۸۵).

همان‌طور که معلوم است و نویسندگان نیز تأکید کردند، در جعاله جعل در ازای عمل است. آیا در این جا جعل در ازای یافتن فروشنده و تحویل کالا است و پس از یافتن کالا و در اختیار نهادن آن، معامله دیگری به صورت نقد بین فروشنده کالا که متفاوت از عامل است و بین جاعل انجام می‌گیرد یا آن‌که ضمن همان قرارداد اول معامله فروش نفت هم قرار می‌گیرد؟

در وضعی که عامل، غیر از فروشنده کالا باشد و برای تهیه کالا کار اضافه‌ای صورت گیرد می‌توان به عامل مأموریت داد که کالا را تهیه کند و در جایگاه واسطه قرارداد را بین جاعل (خریدار) و فروشنده کالا منعقد سازد. زمان انعقاد قرارداد هنگام تحویل کالا و ثمن

معامله است، نه آن که در همان ابتدا معامله صورت گیرد؛ در حالی که به‌طور معمول در بازارهای بورس معامله در همان ابتدا صورت می‌گیرد.

ثانیاً با توجه به حضور فروشندگان و سهولت امکان تهیه کالا افراد حاضر نیستند هزینه مبادله را افزایش و عملیات اضافی را انجام دهند.

ثالثاً عقد جعاله عقد جایز است و برای لازم‌شدن آن و عدم فسخ تا زمان موعده تحویل کالا باید آن را ضمن معامله لازم دیگر صورت داد؛ وگرنه طرفین معامله هرگاه خواستند می‌توانند از معامله خارج شوند.

راهکارهای فقهی برای انجام معاملات بازار بورس

همان‌گونه که گفته شد، امروزه در بازارهای بورس خریداران تمایل دارند بدون پرداخت کامل مبلغ در ابتدا معامله را واقع سازند؛ سپس هنگام سررسید تحویل کالا مبلغ را بپردازند یا آن که از ضمانت‌نامه‌های اعتباری (LC)* استفاده می‌کنند و با ضمانت بانک درباره پرداخت مبلغ هنگام سررسید فروشنده اطمینان می‌یابد که تمایل خریدار در انجام معامله قطعی است یا آن که خریدار با پرداخت چک مدت‌دار معامله را انجام می‌دهد؛ البته طبق قانون چک در هر زمان که به بانک تحویل داده شود، بانک موظف به پرداخت است و تاریخ ثبت شده بر آن اثری در حال بودن مبلغ چک ندارد؛ ولی معامله‌کنندگان با توجه به مدت چک قیمت کالا را از قیمت فعلی کاهش می‌دهند و عرف مرسوم نیز چک مدت‌دار را حال نمی‌دانند. از آنجا که عمده معاملات به‌صورت سلف واقع می‌شود یعنی کالا در آینده تحویل داده می‌شود، با پرداخت نکردن مبلغ آن معامله باطل می‌شود و پرداخت (LC) یا چک نمی‌تواند جایگزین پرداخت مبلغ شود. برای جلوگیری از بطلان معامله می‌توان راه‌هایی پیشنهاد داد تا ضمن صحت شرعی معاملات مزایای بازار بورس محفوظ بماند. در ضمن از آنجا که معاملات بازار بورس باید به‌صورتی باشد که امکان مبادله در بازار ثانویه هم فراهم باشد و انجام معاملات پیمان آتی (forward) و آتی‌ها (futures) با اشکال مواجه است، باید ابزارهایی تهیه شود که قابلیت حضور در بازار ثانویه هم داشته باشد. خریداران

* Letter of Credit.

باید بتوانند قبل از سررسید در صورت تمایل، کالای خریداری شده را به نفرات بعدی با دریافت سود مناسب منتقل سازند و از بازار خارج شوند.

اکنون برخی از راه‌ها را مطرح می‌سازیم. راه‌های مذکور براساس متون فقهی و پیشنهاد برخی از استادان مثل آیت‌الله رضوانی آمده؛ ولی به علت نبود منبع خاص که این پیشنهاد را ثبت کرده باشد، از ارجاع به آن معذوریم. همچنین راه‌های مذکور تباین کامل با هم ندارند و گاه از یک شیوه در شیوه دیگر هم استفاده می‌شود.

۲۷

اقتصاد اسلامی

ا. اگر خریدار اول توانایی پرداخت کامل ثمن را در معامله سلف داشته باشد می‌توان معامله سلف را انجام داد و معامله اول مشکل نخواهد داشت؛ ولی فروش کالای خریداری شده قبل از موعد جایز نیست و نمی‌توان همان کالای خریداری شده، مورد معامله قرار گیرد. برای تصحیح معاملات ثانویه می‌توان در معاملات بعدی خرید و فروش به صورت کلی و بدون ارتباط به معامله اول صورت گیرد؛ ولی برای تحویل کالا با توافق طرفین از حواله انبار که در معامله اول بابت خرید اخذ شده استفاده کرد؛ به‌طور مثال در معامله اول ۱۰۰ تن فولاد به صورت سه‌ماهه به مبلغ معین با کیفیت خاص فروخته، و ثمن به صورت کامل دریافت می‌شود و رسید و حواله انبار به تاریخ سه‌ماهه به خریدار داده می‌شود تا در موعد به انبار جهت تحویل کالا مراجعه کند. اگر خریدار بخواهد قبل از موعد، کالا را بفروشد می‌تواند در معامله مستقل دیگری ۱۰۰ تن فولاد را به صورت سلف بفروشد و پول کامل را دریافت کند سپس با توافق برای تحویل آن، از حواله انبار معامله اول استفاده شود.

در واقع در این مورد دائماً معامله در بازار اولیه صورت می‌گیرد و از حواله انبار برای پرداخت آن استفاده می‌شود و هیچ‌گونه معامله‌ای بر حواله رخ نمی‌دهد. برای جلوگیری از انجام معامله بر حواله پیشنهاد می‌شود هر خرید و فروش در برگه‌ای مخصوص ثبت شود و به خریدار و فروشنده نسخه‌ای تعلق گیرد. حواله کالا هم جداگانه صادر شود. حواله در صورتی قابل پرداخت است که به نسخه خرید کالا منضم باشد؛ بنابراین، برای تحویل کالا در موعد مقرر دو برگه لازم است: برگه خرید و برگه حواله. برگه حواله بدون انضمام برگه خرید بی‌اعتبار است. برای نظارت طبعاً معاملات در اتاق پایاپای با ضبط و ثبت مشخصات

افراد و کالا و ... صورت می‌گیرد.

ب. اگر مبلغ کامل ثمن را نتوان پرداخت و بنابراین نتوان ۱۰۰ تن فولاد را به صورت سلف خرید، می‌توان معامله را در حجم کوچک انجام داد و در ضمن آن برای انجام بقیه معامله زمان خاصی را تعیین کرد. و معامله کوچک را می‌توان به صورت نقدی یا سلف صورت داد؛ برای مثال، ۱۰ تن فولاد نقدی خریداری می‌شود (ثمن و کالا تحویل داده شود یا آماده تحویل باشد) و در ضمن آن شرط می‌شود که ظرف ۹۰ تن فولاد را در سه ماه آینده در تاریخ معین و به قیمت خاص معامله کنند. معامله اول صحیح است و به شرط ضمن آن نیز باید عمل شود. شخص خریدار می‌تواند ۱۰ تن فولاد را تحویل بگیرد و پس از سه ماه معامله دوم را انجام دهد و یا آن که ۱۰ تن فولاد را با شرط ضمنی آن بفروشد. ولی باید ابتدا ۱۰ تن فولاد را تحویل بگیرد یا حواله دریافت آن را از فروشنده اخذ کند و وضعیت تحویل کالا باید به صورتی باشد که عرف، کالا را در اختیار خریدار بداند و بخشی از آنچه در انبار است را به او متعلق بداند. در این صورت می‌تواند برگه خرید معامله و حواله را در بازار ثانویه خرید و فروش کند.

ج. اگر مبلغ کامل ثمن را ندارد ولی می‌تواند در حجم کوچک بخرد، به جای معامله نقدی می‌تواند از معامله سلف استفاده کند به این معنا که ۱۰ تن فولاد را به صورت سلف بخرد و قیمت آن را کامل بپردازد و در ضمن آن شرط کند که در تاریخ معین به قیمت معین ۹۰ تن فولاد را خریداری خواهد کرد. معامله اول در بازار اولیه به صورت سلف است که در ضمن آن شرط معامله دوم می‌شود. این شرط لازم‌الاجرا است. معامله مشروط شده را می‌توان به صورت نقد، نسبه یا سلف انجام داد که در هر مورد باید شرایط خود را داشته باشد.

اگر شخص بخواهد در بازار اولیه معامله را تمام کند پس از انجام معامله سلف حواله اخذ کالا (۱۰ تن فولاد) را اخذ، و در موعد مقرر برای انجام معامله دوم مراجعه می‌کند. شخص می‌تواند قبل از سررسید معامله سلف همان‌طور که در روش الف آمده، با استفاده از حواله ۱۰ تن و به اتکای آن، معامله سلف دیگری به همان میزان انجام دهد و برای تحویل کالا از حواله معامله اول استفاده کند. در این معامله هم شرط می‌شود که در موعد مقرر معامله ۹۰ تن فولاد صورت می‌گیرد.

د. برای انجام معامله اول می‌توان از عقد ودیعه استفاده کرد. اگر مبلغ کامل ثمن موجود نیست و فقط پول در حد ضمانت در اختیار دارد، طرفین مبلغی را به صورت ودیعه در اختیار کارگزار بورس قرار می‌دهند و ضمن آن شرط می‌شود که در تاریخ معین کالای فلان به قیمت خاص و دیگر شرایط و اوصاف خریداری شود. چون عقد ودیعه عقد جایز است، باید در آن شرط شود که هیچ‌یک از طرفین حق فسخ معامله را ندارد. در این‌جا حواله کالا مطرح نیست. فقط سندی وجود دارد دال بر تعهد طرفین به معامله در زمان خاص در ضمن امانت و ودیعه نهادن مبلغ ضمانت.

انجام معامله ثانوی بر این سند مبتنی است که آیا این سند ارزش مالی دارد و تعهد در ضمن ودیعه قابلیت دارد که مورد معامله قرار گیرد یا نه. بعید نیست که بتوان برای سند عقد ودیعه با شرایط آن در نظر عرف ارزش مالی اثبات کرد. بر این اساس می‌توان آن را در بازار ثانویه مورد معامله قرار داد.

ه. برای انجام معامله اول می‌توان از عقد صلح هم استفاده کرد. اگر ثمن معامله را در اختیار ندارد می‌تواند از معامله صلح کالی به کالی استفاده کند. طرفین معامله مصالحه می‌کنند که در تاریخ مشخص آینده ۱۰۰ تن فولاد به مبلغ خاص رد و بدل شود.

معامله صلح را هم اکنون انجام می‌دهند و تحویل ثمن و مثن در آینده است. در این معامله باید دقت کرد برای پرهیز از ربا همیشه یک طرف معامله پول نقد باشد؛ پس در معامله اول از صلح استفاده می‌شود و می‌توان قبل از موعد سررسید کالای خریداری شده را فروخت؛ ولی همیشه باید در خرید و فروش حتماً یک طرف پول نقد باشد تا معامله ثانوی هم اشکال نیابد؛ البته اهل سنت عقد صلح را در مورد دعاوی صحیح می‌دانند و چون در بازار بورس دعاوی مطرح نیست و دعاوی مختص شرایط جهل و نزاع در مورد حق هر طرف است، از دیدگاه آنان از این روش نمی‌توان برای معامله زمان‌دار استفاده کرد (ر.ک: ابن قدامه، بی تا: ج ۵، کتاب الصلح).

نکته پایانی در مورد تمام این راه‌ها این است که برای یکسان‌سازی باید از قراردادهای استاندارد استفاده کرد. همانند بازار نفت که هر قرارداد ۱۰۰۰ بشکه است می‌توان در بورس فلزات یا کشاورزی هر قرارداد استاندارد را به طور مثال ۱۰ تن و یا ... قرار داد. قرارداد استاندارد باید مقداری باشد که بتوان در معاملات سلف یا نقدی کوچک از آن استفاده کرد.

نتیجه گیری

مقاله درصدد بررسی برخی از راه‌های فقهی برای تصحیح و تطبیق معاملات بازار بورس فلزات و کالاهای کشاورزی با قواعد شرعی بود؛ البته راهکارها مختص آن نیست و می‌توان از آن در بورس نفت و بورس اوراق بهادار هم استفاده کرد. ضمن بیان اصول و قواعد کلی مربوط به معامله سلف، کالی به کالی و دین به دین با توجه به بازار اولیه و ثانویه بورس، راه‌های متعددی مثل استفاده از معامله سلف، صلح، ودیعه و غیر آن را در وضعیت‌های گوناگون مطرح ساخت و برخی از راه‌های مطرح شده مثل جعاله، عقد مستقل و بیمه را مورد نقد قرار داد؛ بنابراین، راه فقهی برای بهره‌گیری از معاملات آتی در بازار بورس اسلامی وجود دارد. در مورد انتخاب هر کدام باید کارشناسان، وضعیت اقتصادی جامعه را در نظر بگیرند. اقبال مردم به معاملات را بررسی و کاراترین و مناسب‌ترین راه را بین راه‌های فقهی برگزینند و نظارت جدی بر تحقق آن صورت دهند. همچنین طرحی باید در جریان عمل قرار گیرد که امکان نظارت بر آن فراهم باشد. از شیوه‌های صوری دور شود و بتوان کارایی اقتصادی را کنار صحت فقهی معامله مشاهده کرد. انتخاب کارشناسان و مسئولان اجرایی تعیین‌کننده است و باید شرایط اجرایی را به‌طور کامل در نظر گرفت.

۳۰

اقتصاد اسلام

سال پنجم / زمستان ۱۳۸۴

منابع و مأخذ

أ. فارسی

۱. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ربا، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، اول، ۱۳۸۱ ش.
۲. درخشان، مسعود، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، اول، ۱۳۸۳ ش.
۳. رضایی، مجید، «اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۴ ش.
۴. ——— «بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۲ ش.
۵. صالح‌آبادی، علی، «بررسی اوراق قرضه اسلامی در مالزی از دیدگاه فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۴ ش.
۶. عصمت پاشا، عبیداله، «فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی»، علی صالح‌آبادی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۹، بهار ۱۳۸۲ ش.
۷. غنیمی فرد، حجت‌الله و آرام‌بنیاد، محمد، «امکان‌سنجی فقهی تأسیس بورس آتی نفت در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ش ۲۵، بهار ۱۳۸۴ ش.

۸. فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم، اوراق اختیار معامله (Option) در بازار سرمایه ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، اول، ۱۳۸۰ش.

ب. عربی

۱. ابن قدامة، موفق الدین ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد، المغنی و یلیه الشرح الكبير، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۲. جواهری، حسن، بحوث فی الفقه المعاصر، بیروت، دارالذخائر، الاولى، بی تا.
۳. حسینی سیستانی، سیدعلی، منهاج الصالحین، قم، مکتب آیه الله العظمی السیدالسیستانی، الاولى، ۱۴۱۵ق.
۴. فیاض، محمد اسحاق، احکام البنوك و الاسهم و السندات و الاسواق المالیه (البورصه)، قم، مکتب سماحة آیه الله العظمی محمد اسحاق الفیاض، الاولى، ۱۴۱۸ق.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الثانيه، ۱۳۶۲ش.
۶. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیده، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الاولى، ۱۴۱۵ق.
۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۴۲۱ق.
۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، الثامنة و العشرون، ۱۴۱۰ق.
۹. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، الرابعه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا، هداية العباد، قم، دارالقرآن الکریم، الاولى، ۱۴۱۳ق.
۱۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، السادسة، ۱۳۹۴ق.